

بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شهرستان قوچان

علی‌اکبر براتی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی کشاورز و غیر کشاورز شهرستان قوچان از استان خراسان می‌پردازد. بدین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی، ۲۶۵ خانوار انتخاب و داده‌ها به وسیله پرسشنامه و مصاحبه حضوری با آنها جمع‌آوری شد. برای تحلیل، از تکنیک ضریب جینی، مقایسه پنجمک‌ها، منحنی لورنزو و محاسبه نسبت‌های درآمدی استفاده شد. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان داد که میزان نابرابری در توزیع درآمد بین خانوارهایی که تنها به کشاورزی اشتغال دارند، بیشتر از خانوارهایی بود که تنها به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال داشتند. مقدار ضریب جینی در بین خانوارهای گروه اول ۰/۵۳ و در بین خانوارهای گروه دوم ۰/۴۲ بود. هم‌چنین بهترین وضعیت توزیع درآمد مربوط به خانوارهایی بود که علاوه بر اشتغال در بخش کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز مشغول بودند. مقدار ضریب جینی در بین این گروه ۰/۳۶ تعیین گردید. به نظر می‌رسد فعالیت‌های غیرکشاورزی که در کنار کشاورزی انجام می‌شود، نقش چشمگیری در کاهش نابرابری‌های درآمدی در منطقه مورد مطالعه داشته است.

واژه‌های کلیدی: توزیع درآمد، ضریب جینی، منحنی لورنزو، قوچان

مقدمه

به عقیده بسیاری از محققین و سیاستگذاران در گذشته (قبل از دهه هشتاد قرن بیستم) اقتصاد روستایی در کشورهای درحال توسعه، متراffد با بخش کشاورزی بوده است. در سال‌های اخیر این دیدگاه عوض شده، به طوری که تحقیقات اخیر نشان داده‌اند، درآمد بسیاری از خانوارهای روستایی حاصل از بیش از یک منبع درآمدی است. درآمدهای حاصل از فعالیت در بخش غیرکشاورزی در نواحی روستایی سهم بسیاری از کل درآمد خانوار را به خود اختصاص داده و در کاهش فقر روستایی مؤثر

نگاهی گذرا به تاریخچه توسعه روستایی نشان می‌دهد که طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، توسعه کشاورزی به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفت. در اوخر دهه ۱۹۶۰ و در طول دهه ۱۹۷۰ شاهد تأکید بیشتر بر افزایش بازدهی کشاورزی بودیم، ولی تجربه نشان داد که با وجود افزایش کل تولیدات کشاورزی، نابرابری‌ها به دلیل توزیع نامناسب این افزایش تولید، تشديد شده است (۴).

۱. کارشناس ارشد توسعه روستایی، سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی

غیرکشاورزی در نواحی روستایی با فراهم آوردن امکان فرصت‌های شغلی جدید و کسب درآمد بیشتر در درازمدت، نسبت به فعالیت‌های کشاورزی، به افزایش بیشتر سطح رفاه عمومی جامعه روستایی منجر می‌گردد.

مطالعه کانگاراجا و همکارانش (۹) در سال ۲۰۰۱ در کشورهای غنا و اوگاندا نشان داد که درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیر زراعی نسبت به زراعی موجب بهبود وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی این کشورها شده است. این وضعیت در بین خانوارهای واقع در سطوح پایین درآمدی بهتر از خانوارهای واقع در سطوح بالای درآمدی بوده است.

در ایران نیز مطالعات بسیاری روی وضعیت توزیع درآمد در نقاط مختلف کشور صورت گرفته است، از جمله مطالعه آسایش (۱) در سال ۱۳۷۶ و ارسلان بد (۲) در سال ۱۳۷۹ که به بررسی وضعیت نابرابری بین شهر و روستا در ایران پرداخته‌اند و مطالعه توده روستا و میر محمد صادقی (۳) در سال ۱۳۸۲ که به بررسی توزیع درآمد در نواحی دشت و کوه شهرستان ساوجبلاغ پرداخته است. اما بیشتر این مطالعات به بررسی و مقایسه وضعیت توزیع درآمد در بین نواحی مختلف پرداخته و به مقایسه در بین گروه‌های شغلی مختلف نپرداخته‌اند. تنها کوپاهی (۶) در سال ۱۳۵۰ طی مطالعه‌ای که در روستاهای شهرستان کرج انجام داد به این نتیجه رسید که میانگین درآمد سالیانه کشاورزان کمتر از غیرکشاورزان بوده و برای هر دو گروه، توزیع درآمد به طور چشمگیری اریب بوده است، به طوری که ۳۰ درصد خانوارهای مورد مطالعه، تنها ۷ درصد کل درآمد را داشته‌اند و ۹ درصد خانوارهای بالای درآمدی، ۴۰ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به ساختار دو بخشی نواحی روستایی (کشاورزی و غیرکشاورزی) در اغلب نواحی جهان از جمله ایران، به راستی هر یک از این بخش‌ها چه تأثیری بر وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی داشته‌اند؟ وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین

بوده است (۱۷).

پژوهش‌های مختلفی درخصوص بررسی وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی و مقایسه دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی در سطح جهان صورت گرفته است.

در تحقیقی که به وسیله پارسارادی و سام بی رادی (۱۵) در کشور هندوستان صورت گرفت مشخص شد که فعالیت‌های غیرکشاورزی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای فقرا و در نتیجه افزایش سطح درآمد آنها و همچنین از طریق تحرك بازار کار فعالیت‌های موقتی و افزایش سطح دستمزد این قبیل فعالیت‌ها موجب بهبود وضعیت زندگی روستاییان شده است.

لانجو و همکارانش (۱۱، ۱۲، ۱۳) طی پژوهش‌های مستقلی که در کشورهای تانزانیا، اکوادور و هندوستان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اشتغال به فعالیت‌های غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی طی یک دوره زمانی معین، به بهبود وضعیت فقر در نواحی روستایی به ویژه در بین خانوارهای شاغل در فعالیت‌های غیرکشاورزی منجر شده است.

مطالعه رردون و همکارانش در مناطق روستایی آمریکای لاتین و آفریقا حکایت از بهتر بودن وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین بخش‌های غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی در آمریکای لاتین و بدتر بودن آن در نواحی روستایی آفریقا دارد (۱۶).

مطالعه ریچارد و آدامز (۱۷) در سال ۱۹۹۷ بر روی تأثیر درآمد حاصل از فعالیت‌های غیر زراعی بر وضعیت توزیع درآمد در کشورهای مصر و اردن نشان داد که درآمد حاصل از منابع درآمدی غیرکشاورزی در کشور مصر موجب کاهش نابرابری‌های درآمدی در نواحی روستایی شده است و این در حالی است که تأثیر آن در کشور اردن عکس بوده، یعنی نابرابری‌های درآمدی را افزایش داده است.

مطالعه دی نینگر و الیتون (۱۰) در کشور کلمبیا که طی سال ۲۰۰۱ صورت گرفت نشان داد که فعالیت‌های

تصادفی برای مطالعه انتخاب گردید. جمع آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری و تکمیل پرسش‌نامه صورت گرفت.

منبع درآمد روستاییان از دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی فرض و هر بخش به صورت مستقل مورد پرسش واقع شد. منابع درآمدی کشاورزی شامل درآمدهای حاصل از زراعت، دامداری و باغداری بود. منابع درآمدی غیرکشاورزی نیز شامل درآمدهای حاصل از مشاغل کارمندی، کارگری، رانندگی، مغازه‌داری، دستفروشی و از این قبیل می‌باشد. برای محاسبه درآمد خالص حاصل از بخش کشاورزی، ارزش محصولات تولیدی هر خانوار از بخش‌های زراعی، دامی و باغی، محاسبه و هزینه‌های مختلف تولید از آن کسر و درآمد خالص به دست آمد. برای انجام محاسبات لازم از نرم افزارهای SPSS و Excel استفاده شد. به منظور بررسی وضعیت توزیع درآمد از تکنیک‌های استاندارد ضریب جینی، منحنی لورنزو، مقایسه پنجمک‌های درآمدی و مقایسه نسبت سهم گروههای درآمدی پردرآمد به کم درآمد استفاده شد. در ادامه برای آشنایی بیشتر، هر یک از این روش‌ها به اختصار توضیح داده می‌شود.

از ضریب جینی برای اندازه‌گیری نابرابری نسبی درآمد استفاده می‌شود. این ضریب از تقسیم ناحیه L در شکل ۱ بر مساحت مثلث ABC به دست می‌آید و مقدار عددی آن بین یک و صفر قرار دارد.

این ضریب برای کشورهایی که توزیع درآمد بسیار نابرابر دارند، عموماً بین ۰/۵ تا ۰/۷ بوده در حالی که در کشورهایی که توزیع درآمد عادلانه دارند، بین ۰/۲ تا ۰/۳۵ است. ساده‌ترین فرمول محاسباتی جهت دست‌یابی به ضریب جینی عبارت است از (۸) :

$$G = 1 - \sum_{i=1}^n (x_{i+1} - x_i)(y_{i+1} + y_i) \quad [1]$$

در این فرمول G ضریب جینی، x_i درصد تجمعی جمعیت در طبقه i ، y_{i+1} درصد تجمعی جمعیت در طبقه $(i+1)$ ، y_i درصد تجمعی درآمد در طبقه i ، y_{i+1} درصد تجمعی درآمد در طبقه $(i+1)$ می‌باشد.

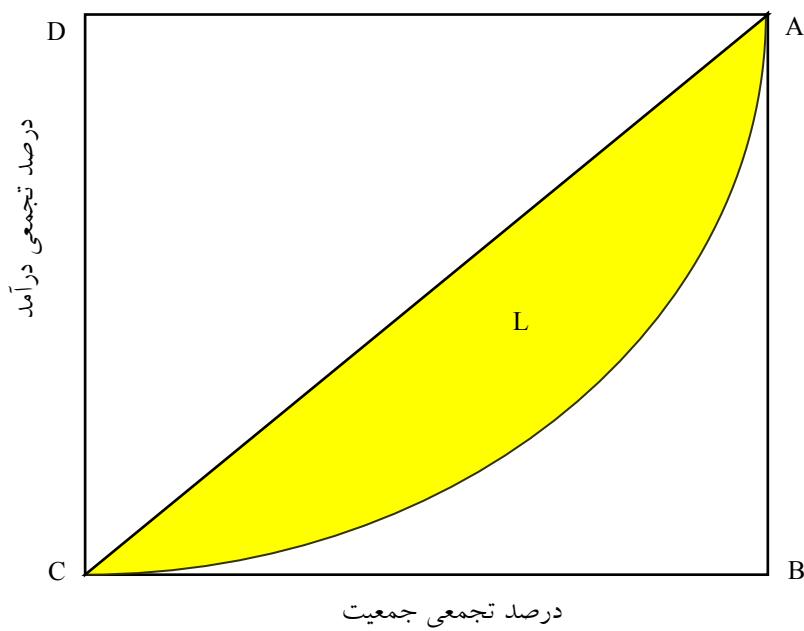
این دو بخش چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟ این پرسش‌ها موضوعاتی است که این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آنهاست. اهداف پژوهش حاضر عبارت است از: ۱) بررسی وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی شهرستان قوچان استان خراسان و ۲) مقایسه توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شاغل در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی.

مواد و روش‌ها

این پژوهش با استفاده از داده‌های جمع آوری شده در سال ۱۳۸۰ از بین خانوارهای روستاهای بالای ۲۰ خانوار شهرستان قوچان از استان خراسان صورت گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش خانوارهای روستایی ساکن در بخش‌های مرکزی و باجگیران بودند که جمعاً بالغ بر ۱۸۴۶ خانوار می‌شوند.

شهرستان قوچان یکی از شهرستان‌های استان خراسان است که در ۱۲۵ کیلومتری شمال شهر مشهد واقع شده است. بر طبق آمار رسمی بانک مرکزی در سال ۱۳۷۵، این شهرستان دارای ۳ شهر، ۹ دهستان و ۳۳۳ پارچه آبادی بوده است. در آبان سال ۱۳۷۵ این شهرستان دارای ۲۲۶۸۷۵ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۵۹/۲۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. از کل جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۷۵، ۱۳۷۵ ۴۱/۴۸ درصد در گروه‌های شغلی «کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری»، ۶/۵۱ درصد در گروه «عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیرات»، ۷/۹۵ درصد در گروه شغلی «صنعت» و ۴۴/۶ درصد نیز در سایر گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی به کار استغال داشته‌اند. این نسبت‌ها برای نواحی روستایی به ترتیب عبارت از ۵۹/۱۵ درصد، ۱/۴۵ درصد و ۳۲/۷۹ درصد است (۷).

برای انتخاب خانوارها از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی استفاده شد. تعداد کل خانوارهای انتخابی برای مطالعه با توجه به سطح دقت ۹۰ درصد با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۵ خانوار تعیین گردید. بعد از انتخاب روستاهای از هر روستا متناسب با تعداد خانوارهایش، تعدادی خانوار به صورت



شکل ۱. منحنی لورنز

هر چه این نسبت‌ها بزرگ‌تر باشد، نشان دهنده نابرابری بیشتری خواهد بود (۵).

منحنی لورنز در واقع مکان هندسی نقاطی است که مختصات آنها درصدهای تجمعی جمعیت و درآمد است (شکل ۱). هر چه توزیع درآمد در جامعه‌ای نابرابر باشد، منحنی لورنز از قطر مربع فاصله بیشتری خواهد گرفت و بالعکس. اگر توزیع درآمد در جامعه‌ای کاملاً برابر باشد، در آن صورت هر درصد از افراد جامعه به همان درصد از درآمد جامعه برخوردار خواهد بود. به عنوان مثال، ۳۰ درصد از افراد جامعه، ۳۰ درصد از درآمد را به خود اختصاص خواهد داد. در این صورت منحنی مماس بر قطر مربع خواهد بود. این حالت معمولاً در هیچ جامعه‌ای به وقوع نمی‌پیوندد.

نتایج و بحث

۱. بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین بخش کشاورزی و غیرکشاورزی جامعه مورد مطالعه

(الف) مقایسه ضرایب جینی

برای به دست آوردن ضریب جینی، ابتدا درصدهای تجمعی درآمد و جمعیت (جدول ۱) برای هر یک از گروه‌های شغلی محاسبه و سپس با استفاده از فرمول ۱، ضریب جینی برای هر یک از گروه‌های شغلی کشاورزی، غیرکشاورزی و شاغلینی که به هر دو کار کشاورزی و غیرکشاورزی اشتغال داشتند، محاسبه شد. اطلاعات مربوط به درصدهای تجمعی درآمد و جمعیت در جدول ۱ و ضرایب جینی در جدول ۲ آمده است.

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضریب جینی در بین شاغلین بخش کشاورزی (G_a) نسبت به ضریب جینی مربوط به شاغلین در بخش غیرکشاورزی (G_n) بالاتر است. این موضوع به بدتر بودن وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین

در روشن مقایسه پنجگاهای درآمدی بعد از مرتب نمودن افراد جامعه از روی سطح درآمد، افراد مورد نظر به پنج گروه مساوی تقسیم شده و سهم درآمدی هر پنجگاه محاسبه می‌گردد. هر چه اختلاف درآمدی بین پنجگاهای مختلف از کل درآمد بیشتر باشد، نابرابری نیز در جامعه بیشتر خواهد بود (۵). در نسبت سهم گروه‌های پردرآمد به کم درآمد نیز معمولاً سهم درآمدی ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد محسوبه شده و مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

جدول ۱. درصدهای تجمعی درآمد و جمعیت به تفکیک گروههای شغلی

شاغلینی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیر کشاورزی اشتغال دارند	شاغلین فعال در بخش غیرکشاورزی	شاغلین فعال در بخش کشاورزی			
درصد تجمعی جمعیت	درصد تجمعی درآمد	درصد تجمعی جمعیت	درصد تجمعی درآمد	درصد تجمعی جمعیت	درصد تجمعی درآمد
.
۲۳/۸	۹/۶	۳۲	۱۱/۱	۳۸/۳	۱۰/۳
۴۱/۷	۲۰/۲	۴۸/۲	۲۱/۲	۵۶/۴	۲۰/۲
۵۵	۲۹/۸	۶۱/۹	۳۱/۱	۷۰/۱	۳۰/۷
۶۶/۳	۴۰/۴	۷۱/۷	۴۱	۷۹/۵	۴۰/۴
۷۵/۱	۵۰/۱	۷۹/۶	۵۰/۹	۸۶/۷	۵۰/۳
۸۳/۵	۶۰/۵	۸۶/۴	۶۰/۵	۹۲/۱	۶۰/۱
۸۹/۸	۷۰/۲	۹۱/۵	۷۰/۶	۹۶/۳	۶۹/۸
۹۵/۱	۸۱	۹۶/۱	۸۰/۴	۹۸/۵	۷۹/۷
۹۸	۹۰/۵	۹۸/۵	۹۱/۳	۹۹/۶	۸۹/۴
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع : یافته‌های تحقیق

جدول ۲. ضرایب جینی به تفکیک گروههای شغلی

ضریب جینی	گروه شغلی
$G_a = 0/53$	شاغلین فعال در بخش کشاورزی
$G_n = 0/42$	شاغلین فعال در بخش غیرکشاورزی
$G_t = 0/36$	شاغلینی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیر کشاورزی اشتغال دارند

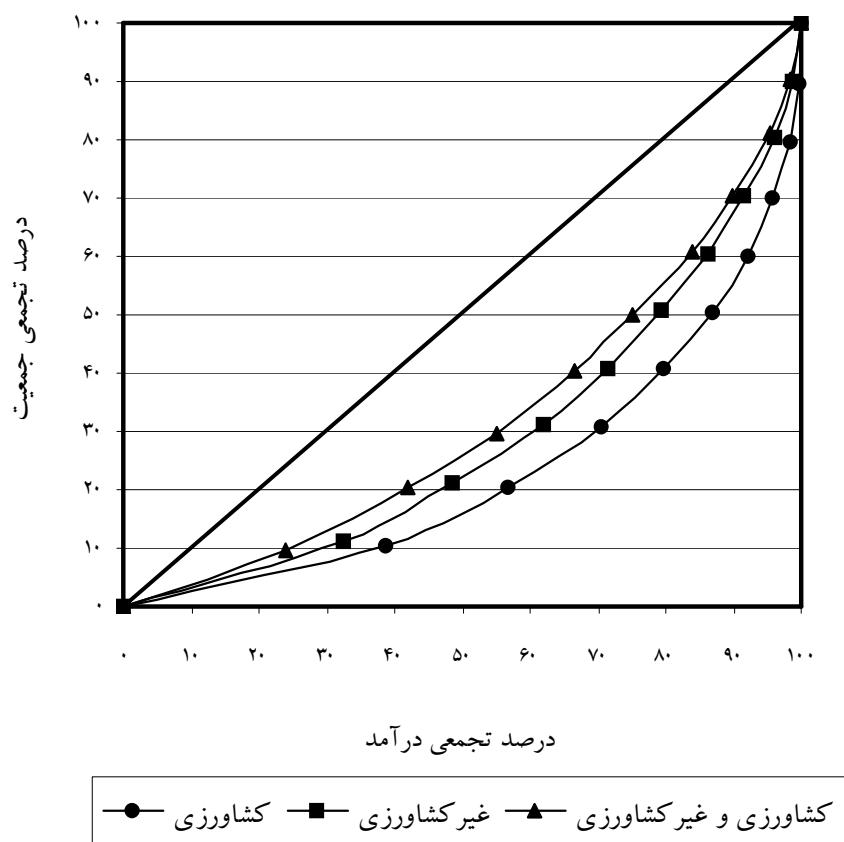
منبع : یافته‌های تحقیق

مزروعه خانواده نیز فعالیت می‌کند، می‌تواند به بهبود وضعیت توزیع درآمد در سطح روستا بینجامد.

ب) محاسبه و مقایسه پنجک‌ها

جدول ۳ پنجک‌های جمعیتی و سهم هر یک از این پنجک‌ها را از کل درآمد نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود ۲۰ درصد از فقیرترین افراد شاغل در بخش کشاورزی (پنجک پنجم) ۱/۶ درصد از کل درآمدهای این گروه و ۲۰ درصد از ثروتمندترین افراد این گروه (پنجک اول) ۵۶/۵ درصد از کل

بخش کشاورزی نسبت به غیرکشاورزی اشاره می‌کند و ممکن است ناشی از عدم توزیع یکسان عوامل تولید کشاورزی به ویژه زمین در بین کشاورزان منطقه باشد. این ضریب برای افرادی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی به صورت توأم اشتغال دارند (G_t) نسبت به ضرایب مربوط به دو گروه دیگر کمتر است. اگر با استفاده از داده‌های جدول ۱ منحنی لورنر را برای هر یک از این سه گروه رسم نماییم (شکل ۲) نتایج مشابهی به دست خواهد آمد. بنابراین به نظر می‌رسد اشتغال به کارهای غیرکشاورزی، در حالی که فرد در



شکل ۲. منحنی لورنز مربوط به شاغلین کشاورزی، غیرکشاورزی و شاغلین در هر دو بخش

جدول ۳. مقایسه پنجگاهای جمعیتی و سهم هر یک از این پنجگاهها از کل درآمد در بین گروههای شغلی

پنجگ	سهم از کل درآمد گروه مربوط		
	کشاورزی و غیرکشاورزی	غیرکشاورزی	کشاورزی
۱	۴۲/۱	۴۸/۵	۵۶/۵
۲	۲۴/۴	۲۳/۱	۲۳
۳	۱۷/۳	۱۴/۶	۱۲/۴
۴	۱۱/۴	۹/۷	۶/۵
۵	۴/۸	۴/۱	۱/۶

منبع : یافته‌های تحقیق

حالی که افراد پنجگ اول $48/5$ درصد از کل درآمدهای این گروه را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد شاغلین بخش یعنی افرادی که هم به شغل کشاورزی و هم به مشاغل

درآمدها را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد شاغلین بخش کشاورزی افراد واقع در پنجگ پنجم (فقیرترین افراد) $4/1$ درصد از درآمدهای این گروه را به خود اختصاص داده، در

جدول ۴. مقایسه میانگین سن، سطح سواد* و تعداد خانواده برای سه گروه مورد مطالعه به تفکیک پنجک‌های درآمدی

کشاورزی و غیرکشاورزی			غیرکشاورزی			کشاورزی			پنجک	
اندازه خانواده	سواد	سن	اندازه خانواده	سواد	سن	اندازه خانواده	سواد	سن		
۶/۶	۳/۱	۴۰/۷	۵/۹	۲/۷	۳۶/۸	۷/۱	۱/۷	۵۲/۱	۱	
۶/۵	۲/۸	۴۳/۹	۴/۱	۳/۵	۳۱/۷	۵/۶	۲/۰	۴۷/۸	۲	
۵/۵	۲/۷	۴۲/۱	۳/۹	۳	۲۹/۷	۶	۱/۹	۵۲/۴	۳	
۵/۹	۲/۹	۴۰/۸	۵/۴	۲/۹	۴۲/۱	۵/۸	۱/۸	۵۵/۱	۴	
۶/۴	۲/۱	۴۸/۵	۳/۹	۲/۶	۳۸/۸	۴/۸	۱/۴	۴۸/۵	۵	
۶/۲	۲/۷	۴۳/۱	۴/۷	۲/۹	۳۶/۲	۵/۹	۱/۸	۵۱/۱	کل گروه	
										*

*: سطح سواد بر اساس یک مقیاس اندازه‌گیری شده که در آن برای بیسواد (۰)، خواندن و نوشتن (۱)، ابتدایی (۲)، راهنمایی (۳)، دبیرستانی (۴) و دانشگاهی (۵) فرض شده است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

هندوستان، تانزانیا، اکوادور و منطقه آمریکای لاتین نیز مطابقت داشت. البته به جز کشورهای آفریقایی و اردن که نتایج به دست آمده در این کشورها عکس نتایج به دست آمده در این پژوهش بود.

در ادامه به منظور آشنازی با متغیرهای تأثیرگذار بر سطح و توزیع درآمد در منطقه مورد مطالعه، به بررسی برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۲. مقایسه برخی متغیرهای تأثیرگذار بر وضعیت توزیع درآمد در منطقه مورد مطالعه

الف) سن، سطح تحصیلات و تعداد خانواده

جدول ۴ میانگین‌های سه متغیر سن، سطح تحصیلات و تعداد افراد خانواده مورد مطالعه را در سه گروه شغلی و به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمد نشان می‌دهد.

این جدول نشان می‌دهد که گروه شاغل در بخش کشاورزی از لحاظ سنی نسبت به گروه شاغل در بخش غیرکشاورزی و گروه شاغل در هر دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی مسن‌ترند. در نتیجه افراد جوان برای انجام کارهای غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی تمایل بیشتری دارند.

غیرکشاورزی مشغول‌اند این نسبت‌ها به ترتیب عبارت از ۴/۸ درصد برای پنجک پنجم و ۴۲/۱ درصد برای پنجک اول است.

ج) مقایسه نسبت سهم گروه‌های پر درآمد به کم درآمد همان طور که در قسمت‌های قبل آمد، یکی از معیارهای متدالو برای بررسی وضعیت توزیع درآمد، محاسبه نسبت سهم درآمدی گروه‌های پردرآمد به کم درآمد است. در این بین محاسبه نسبت درآمدی ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۴۰ درصد کم درآمد از عمومیت بیشتری برخوردار است. محاسبه این نسبت در مورد گروه‌های مورد مطالعه در این پژوهش نشان داد که در مورد شاغلین بخش کشاورزی، مقدار آن ۶/۹۷، برای شاغلین بخش غیرکشاورزی برابر با ۳/۵۱ و برای گروهی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند؛ مقدار آن ۲/۶ می‌باشد. این بدان معناست که درآمد ۲۰ درصد از پردرآمدترین کشاورزان، حدود هفت برابر بیشتر از ۴۰ درصد از فقیرترین کشاورزان است. این نسبت برای دو گروه دیگر به ترتیب عبارت از ۳/۵۱ و ۲/۶ است. لازم به ذکر است که نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج به دست آمده در کشورهای مختلف از جمله مصر،

جدول ۵. میانگین سطح اراضی مختلف (هکتار) و تعداد احشام (رأس) به تفکیک گروه شغلی و پنجک درآمدی

کشاورزی و غیرکشاورزی						کشاورزی						پنجک
احشام	زیرکشت	باغی	دیم	آبی	احشام	زیرکشت	باغی	دیم	آبی			
۱۰/۳	۹/۷	۰/۷۳	۲/۸	۷/۸	۴۰/۴	۱۰/۲	۰/۳۵	۵/۲	۱۴/۱	۱		
۱۰/۸	۹	۰/۱۱	۲/۲	۹	۱۵/۸	۶/۱	۰/۴۲	۲	۷/۱	۲		
۵/۵	۵/۷	۰/۴۸	۳	۱۱/۲	۱۴/۷	۳/۸	۰/۳۷	۱/۲	۶/۳	۳		
۱۱/۴	۵/۸	۰/۲۳	۰/۷	۴/۹	۱۰	۶/۳	۰/۳۵	۱/۳	۶/۷	۴		
۱/۵	۳/۵	۰/۰۹	۰/۳	۳/۷	۷/۱	۴/۳	۰/۲۴	۱/۴	۶/۱	۵		
۸	۶/۸	۰/۳۳	۱/۶	۷/۴	۱۷/۷	۶/۲	۰/۳۵	۲/۳	۸/۱	کل گروه		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۶. میانگین سطح درآمد سالیانه سه گروه شغلی مورد مطالعه به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمدی(ریال)

کشاورزی و غیرکشاورزی	غیرکشاورزی	کشاورزی	پنجک
۱۸,۳۶۸,۰۰۰	۱۴,۷۲۰,۲۲۶	۲۵,۵۱۵,۳۲۵	۱
۱۰,۴۵۶,۸۶۶	۷,۵۴۱,۱۲۱	۱۰,۴۰۵,۵۰۳	۲
۷,۶۱۰,۰۱۵	۴,۷۹۷,۶۵۴	۵,۷۵۸,۴۹۰	۳
۵,۰۰۷,۳۴۰	۳,۱۲۰,۲۵۰	۲,۹۹۲,۵۴۵	۴
۲,۲۱۱,۶۹۰	۱,۳۱۶,۱۰۰	۷۰۴۸۰۵	۵
۸,۷۳۰,۷۸۲	۶,۲۹۹,۰۷۰	۹,۰۷۵,۳۱۰	کل گروه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

کشاورزان و افرادی که هم به کار کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمدی مقایسه شده است. همان طور که در این جدول ملاحظه می‌گردد، تقریباً پنجک‌های درآمدی بالاتر از میانگین سطح اراضی و تعداد احشام بیشتری برخوردار بوده‌اند.

از لحاظ سطح سواد، گروه شاغل در بخش کشاورزی دارای سواد کمتری هستند. این بدان معنی است که افراد دارای تحصیلات بالاتر به انجام فعالیت‌های غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی گرایش بیشتری دارند. مقایسه تعداد افراد خانواده در بین سه گروه، حکایت از پر جمعیتی خانوارهایی دارد که به هر دو شغل کشاورزی و غیرکشاورزی اشتغال دارند.

ج) میانگین سطح درآمد

جدول ۶ میانگین سطح درآمد سالیانه سه گروه شغلی مورد مطالعه را به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمدی نشان می‌دهد.

ب) میانگین سطح اراضی مختلف و واحد دامی در جدول ۵ میانگین سطح اراضی زراعی آبی و دیم، باغی، زیرکشت و هم‌چنین میانگین تعداد احشام برای دو گروه

مشغول‌اند یا نسبت به خانوارهایی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند بدتر است. هم‌چنین میانگین درآمد سالیانه افرادی که تنها در بخش کشاورزی اشتغال دارند بیشتر از دو گروه دیگر است. ولی این درآمد به گونه‌ای نابرابر در بین خانوارها توزیع شده است. به طوری که ۵۶/۵ درصد از کل درآمدهای بخش کشاورزی تنها به جیب ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد شاغل در این بخش می‌رود. این میزان برای ۱۰ درصد از ثروتمندترین کشاورزان ۳۸/۳ درصد می‌باشد. هم‌چنین بر اساس نتایج این پژوهش، اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی در کنار کشاورزی نه تنها میانگین درآمد سالیانه خانواده را کاهش نمی‌دهد، بلکه به بهبود توزیع درآمد در بین خانوارهای ساکن در نواحی روستایی نیز منجر می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی در نواحی روستایی، به ویژه صنایع مرتبط با بخش کشاورزی از جمله صنایع تبدیل و فرآوری محصولات غذایی و با توجه به گرایش بیشتر افراد تحصیلکرده و جوان روستایی به این قبیل فعالیت‌ها، علاوه بر کمک به اشتغال زایی در نواحی روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان، موجبات بهبود وضعیت توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سطح نواحی روستایی فراهم شود.

داده‌های این جدول حاکی از آن است که اگر چه میانگین درآمد در بین گروه شاغل به فعالیت‌های کشاورزی نسبت به دو گروه دیگر بالاتر است، اما این درآمد به گونه‌ای نامتعادل در بین لایه‌های مختلف جمعیت پراکنده شده است. به طوری که اشاره پایین جامعه، سهم ناچیزی از درآمد حاصل از بخش کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند. این وضعیت در مورد دو گروه دیگر متعادل‌تر است. هم‌چنین میانگین درآمد در بین افرادی که تنها به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند خیلی پایین‌تر از سایر افراد به ویژه کشاورزان است. ولی میانگین درآمد افرادی که علاوه بر کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز اشتغال دارند، تفاوت زیادی با افراد شاغل در بخش کشاورزی ندارد. در نتیجه پرداختن به فعالیت غیرکشاورزی برای کشاورزان در سطح نواحی روستایی با افزایش تعداد منابع درآمد آنها ریسک درآمدی خانواده را که ناشی از وابستگی کشاورزی خانواده به اقلیم و عوامل محیطی است، کاهش داده، به بهبود وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی نیز منجر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهایی که تنها به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند، نسبت به خانوارهایی که تنها به فعالیت‌های غیرکشاورزی

منابع مورد استفاده

۱. آسایش، ح. ۱۳۷۶. بررسی پدیده فقر و محرومیت در ایران: نابرابری و شکاف بین شهر و روستا در ایران. *جهاد* ۲۰۰ و ۲۰۱: ۱۳۷۶، ح.
۲. ارسلان بد، م. ۱۳۷۹. مقایسه تغییرات توزیع مصرف در مناطق روستایی و شهری ایران. *علوم و فنون کشاورزی و منابع نواحی روستایی* ۲(۴): ۱۱-۱۲.
۳. توده روستا، م. و ج. میر محمد صادقی. ۱۳۸۲. بررسی توزیع درآمد کشاورزان شهرستان ساوجبلاغ و عوامل مؤثر بر آن. *علوم و فنون کشاورزی* ۷(۲): ۵۳-۶۷.
۴. دیاس، اچ. دی. و بی. دبلیو. ای. ویکرامانیاک. ۱۳۷۷. درسنامه برنامه ریزی و توسعه (ترجمه: ناصر فریاد). وزارت جهاد سازندگی، تهران.

۵. روزبهان، ب. ۱۳۷۶. مبانی توسعه اقتصادی. انتشارات بازتاب، تهران.
۶. کوپاهی، م. ۱۳۵۶. مطالعه اقتصادی روستاهای شهرستان کرج. علوم کشاورزی ایران (۱ و ۲): ۲۱-۳۹.
۷. مرکز آمار ایران. ۱۳۷۶. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ نتایج تفصیلی شهرستان قوچان. انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۸. هسته مطالعاتی فقر. ۱۳۷۷. روستا، فقر، توسعه. سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۱، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
9. Canagarajah, S., C. Newman and R. Bhattacharya. 2001. Non-farm income, gender and inequality: evidence from rural Ghana and Uganda. *Food Policy* 26: 405-420.
10. Deininger, K. and P. Olinton. 2001. Rural Non-farm employment and income diversification in Colombia. *World Develop.* 29(3): 455-465.
11. Lanjouw, P. 1999. Rural Non-agricultural employment and poverty in Ecuador. *Econ. Develop. and Cultural Changes* 48(1): 91-123.
12. Lanjouw, P. 2001. Non-farm employment and poverty in rural El Salvador. *World Develop.* 29(3): 529-547.
13. Lanjouw, P. and A. Sharif. 1999. Rural poverty and Non-farm employment in India: Evidence from Survey Data. Mimeo, Department of Development Economics, Free University of Amsterdam.
14. Lanjouw, P. and P. Sparrow. 1999. Non-agricultural earning in periurban areas of Tanzania: evidence from household survey data. Development Economics Research Group, World Bank, Free University of Amsterdam.
15. Parthasarathy, G. and B. Sambiraddy. 1998. Departments of rural Non-agricultural employment: The Indian Case. *The Indian J. Agric. Econ.* 53(2): 141-154.
16. Reardon, T. and et.al. 2000. Effects of Non-farm employment on rural income inequality in developing countries: An investment perspective. *J. Agric. Econ.* 51(2): 266-288.
17. Richard, H. and Jr. Adams. 2001. Non-farm income, inequality and poverty in rural Egypt and Jordan. PRMPO, MSN MC4-415, World Bank, Washington, DC.